



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

:

چارچوب تحلیلی روابط خارجی ایران و روسیه

(از عصر صفوی تا کنون)

استاد:

جناب آقای دکتر رمضان زاده

دانشجو:

حسین نوروزی (ورودی ۸۰)

دکتری روابط بین الملل

:

ایران و همسایگان

مقدمه

در صحبت ایران و همسایگان، روسیه از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است.

ایران از عصر صفوی به عنوان یک واحد ملی منسجم ظاهر شده و به لحاظ مجاورت با نواحی جنوبی روسیه به تعامل با آن کشور پرداخته است. بالطبع در تحلیل روابط خارجی این دو کشور باید به نقش متغیرهای مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی توجه وافر داشت. شرایط قوت و ضعف داخلی معادلات و مناسبات منطقه‌ای و نظام ساختار بین‌المللی همگی بر روابط ایران و روسیه تاثیر گذار بوده‌اند.

از عصر صفوی تا به امروز نشیب و فرازهای مختلفی برای روابط دوجانبه ایران و روسیه رخ داده و مناسبات آنها را تحت تاثیر قرار داده است. بنابراین در پاسخ به این سوال که چه علل و عواملی در جهت‌گیری‌ها و سیاست خارجی متقابل ایران و روسیه تاثیر داشته‌اند، باید گفت که این نوشته تعامل و پیوند متداخل متغیرهای سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در دوره‌های مختلف تاریخی را فرض می‌گیرد که بر الگوهای رفتاری و روابط ایران و روسیه تاثیر گذار بوده‌اند.

در بیان مطلب حاضر، ابتدا یک درآمد مختصر به مسائل نظری به عنوان اساس

تئوریک بحث خواهیم داشت.

دربخش دوم به مرور کلی و مختصر مسائل و حوادث روابط خارجی ایران و روسیه در

مقاطع مختلف خواهیم پرداخت.

دوره اول به دوران صفوی تا پایان حکومت زندیه، دوره دوم به عصر قاجاریه، دوره

سوم به عصر پهلوی، دوره چهارم به دوران پس از انقلاب اسلامی تا فروپاشی شوروی و

بالاخره دوره ششم به دوران پس از فروپاشی شوروی اختصاص خواهند داشت. در پایان هم

یک جمع بندی از مباحث ارائه خواهیم داد.

ملاحظات نظری

ادبیات غرب محور روابط بین الملل، معاهده صلح وستفاليا ۱۶۴۸ را نقطه آغاز شکل گیری روابط بین المللی به حساب می آورد. براساس پیامدهای این نظام جدید، شاهد نوعی برابری و نابرابری میان واحدهای مختلف جامعه بین المللی بودیم. دولتهای ملی روس، پروس، پرتقال، اسپانیا، فرانسه، انگلیس اصلی ترین مؤسسين این نظام بودند و از نظر حقوقی و براساس اصل حاکمیت ملی برابر تلقی می شوند. این دولتهای اروپایی مسیحی، برخی از واحدهای اروپایی مثل لهستان راهم سطح خود نمی دانستند و برای تنظیم روابط و منافع خویش، حتی به حمله و تجزیه این کشورها می پرداختند. از طرف دیگر ممالک غیر اروپایی و غیر مسیحی را نیز هم شأن خود تلقی نکرده و خود را مجاز به دست اندازی در آنها می دانستند، تا در فرآیند استعمار و آبادانی، آنها را نیز اجتماعی گروه و به جرگه واحدهای برابر وارد سازند. سیر تحولات و رقابت این دول اروپایی در ممالک آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا، انعقاد قراردادهای تحت الحمایگی و کاپیتالاسیون هم در همین راستا بوده است.^۱

نابرابری عملی میان دولتهای اروپایی آن دوره، برحسب مؤلفه قدرت و به صورت سلسله مراتبی تاهزمونی باعث شده بود تا هریک از این دولتها با ظهور خویش دورانی از عرصه رقابت را ساماندهی نماید. پرتقال، اسپانیا، هلند، بریتانیا، فرانسه و آلمان مهمترین

واحدهایی بودند که در خارج از اروپا به فعالیت می پرداختند. روابط "سطح تضاد و تعارض" بین اروپائیان به خارج از اروپا کشیده شد و آنها بین خود و در قبال غیراروپائیان روابط مبتنی بر رقابت - همکاری را بنیان نهادند.

بر اساس مؤلفه‌های قدرت در هر دوره، توزیع توانایی‌ها متفاوت بوده، اما در شرایط و موقعیتهای مختلف همواره سعی می شده است که به نوعی "نظام موازنه" برقرار گردد. این توازن سیستمی می تواند مبتنی بر توافقات مکتوب (عهدنامه، کنوانسیون و...) و یا به صورت عرفی و نانوشته باشد. بنابراین، حالتی از رژیم‌های بین المللی بین اعضا شکل می گرفت که آنها قادر به تأثیر گذاری بر یکدیگر بودند، ولی با واحدهای غیرتأثیر گذار روابط دیگری را دنبال می کردند.

با توجه به سطح و میزان قدرت و توانایی دولتها (نا برابری) بر حسب مؤلفه‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، می توان ۵ سطح مختلف را در نظر گرفت: سطح ابر قدرت، سطح قدرت‌های بزرگ، قدرت متوسط، قدرت کوچک و بالاخره واحدهای ذره ای در کل جامعه بین المللی مرکب از دولت‌ها، تعداد مختلفی از این ۵ دسته دولتها می توانند در مناطق مختلف جغرافیایی وجود داشته باشند!

برای بررسی و تبیین رفتار واحدهای نظام بین المللی، برخلاف برخی دیدگاههای تک سویه و تک بعدی که برخی یا افراد، یا دولت‌ها و یا ساختار نظام بین الملل را عامل تعیین کننده در جهت گیری‌ها، الگوهای رفتاری و پویسهای بین المللی در نظر می‌گیرند، باید به دیدگاه پیوندی روی آوریم که تأثیر متقابل سطوح تحلیل مختلف را بر همدیگر، مد نظر دارد.

۱- سطح واحد مرکب از عناصر ذیل است:

- ساختارها: جغرافیایی، اقتصادی، نظامی، سیاسی؛

- تاریخ ملی؛

- فرهنگ ملی

- نخبگان و افراد

۲- عناصر تشکیل دهنده سطح منطقه‌ای عبارتند از:

- ساختار جغرافیایی؛

- حوزه فرهنگی - تمدنی؛

- واحدهای سیاسی (همگون - ناهمگون) / سازمان سیاسی؛

- کیفیت اقتصادی / سازمان اقتصادی؛

- نهادهای نظامی / اتحادها، اتفاق‌ها، پیمان‌های دو جانبه و غیره.

۳- مؤلفه‌ها و عناصر سطح ساختار نظام بین‌المللی:

- گونه‌ی نظام بین‌الملل اعم از: تک‌قطبی، دوقطبی، چندقطبی، موازنه قدرت و غیره؛
- نهادها و رژیم‌های بین‌المللی: سیاسی (مثل کمیسیون اروپا، جامعه ملل، سازمان ملل و) اقتصادی (گات، سازمان جهانی تجارت ...) و نظامی (اصل امنیت دستجمعی - نهادهای منطقه‌ای جهان‌نگر (ناتو)).

بطور کلی، روابط دو جانبه ایران و روسیه هم با توجه به شرایط و متغیرهای گفته شده

در موقعیت‌های مختلف زمانی بر حسب تغییر و تحولات سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی

دچار تغییر و تحول بوده‌است و براساس مدل زیرقابل تحلیل و بررسی است:

دوره اول - از عصر صفوی تا پایان حکومت زندیه

این دوره سالهای ۱۵۰۲ تا ۱۸۰۰ (۹۰۷-۱۲۱۵ هـ. ق) را در برمی گیرد. اکثر مورخین تأسیس و تشکیل دولت و سلسله صفوی را در ایران، آغاز عصر جدیدی تلقی می کنند که ملت - کشور به معنای مدرن آن ترتیب یافت. شاه اسماعیل نواده شیخ صفی الدین اردبیلی بینانگذار این سلسله محسوب می شود. هدف وی آن بود که بساط ملوک الطوائفی را از ایران برچیده و به جای حکام و خوانین محلی، یک حکومت مقتدر و مرکزی تحت لوای مذهب شیعه ایجاد کند. شاه اسماعیل پس از حدود ۱۳ سال جنگ مداوم در نواحی مختلف ایران توانست وحدت ملی، تمامیت ارضی و حاکمیت نوینی را برای ایران فراهم آورد!

مهمترین مشغله و درگیری های ایران در این دوره با همسایگانی بود که همواره ایران را در معرض دست اندازی و درگیری های خود قرار می دادند. عمده ترین درگیری با عثمانی بود که جنگهای متعددی بین ایران و عثمانی درمی گرفت. مقابله با تهاجمات خوانین ازبک هم در نواحی شمال شرقی یکی از مناطق بحرانی برای ایران به حساب می آمد. امپراتوری هند یکی دیگر از همسایگان ایران بود که سلسله صفوی روابط جدیدی را با آن آغاز نمود.

عمده ترین دولت های اروپایی خارج از منطقه که ارتباطاتی با ایران داشتند عبارت بودند از:
پرتغال، آلمان، اسپانیا، انگلیس و روسیه^۱.

هنگام جلوس شاه اسماعیل، در کشور عثمانی بایزید دوم، فرزند سلطان محمد فاتح، سلطنت می کرد (۱۵۱۲ - ۱۴۸۱). این کشور سنی مذهب همواره با سلسله صفویه که به ترویج مذهب شیعه همت داشتند، به دیده خصومت و عناد می نگریست. در سال ۱۵۱۲ شاهزاده سلیم به کمک سربازان ینی چری علیه پدرش قیام کرد و قسطنطنیه را تصرف و پدرش را از سلطنت خلع و به قلع و قمع برادران و مدعیان سلطنت پرداخت. یکی از برادرزادگان وی به نام شاهزاده مراد با سپاهیان قابل توجهی به ایران پناهنده گردید و شاه اسماعیل با او از در دوستی درآمد و و را پذیرفت. اختلاف سلطان سلیم و شاه اسماعیل بر سر به رسمیت شناختن سلطان سلیم، استرداد شاهزاده مراد و دست اندازیهای شاه اسماعیل در نواحی شرقی عثمانی به تیرگی روابط ایران و عثمانی و نهایتاً جنگ چالدران و شکست سپاه ایران از عثمان به سال ۱۵۱۴ انجامید^۲. شدت خصومت و درگیری ایران با عثمانی موجب شد که شاه اسماعیل به دنبال متحدین اروپایی باشد. در نواحی جزیره هرمز، پرتغالی ها تشکیلاتی را مستقر کرده و امیر جزیره هرمز تحت الجایه پرتغال شده بود. شاه اسماعیل با مکاتبات و مراسلات مختلف نهایتاً توانست آلبرکرک را متقاعد به همکاری کند

و در سال ۱۵۱۵ قراردادی بین دو کشور منعقد گردید که بر اساس آن مقرر شد نیروی دریایی پرتغال به سپاه ایران در لشکرکشی به بحرین، قطیف و فرونشاندن اغتشاشات سواحل بلوچستان و مکران یاری کند و نیروهای دو دولت متفقاً با عثمانی به جنگ و مقابله پردازند. اما عمده ترین نتیجه این اتحاد و قرارداد یادگیری استفاده از سلاحهای آتشین برای ایرانیها بود. در کنار پرتغال شاه اسماعیل به دنبال اتحاد با مصر، و نیز، مجارستان و لهستان بود که از کشورهای مصر و ونیز نتیجه‌ای حاصل نشد، اما روابط حسنه‌ای بین ایران و مجارستان و امپراتور آلمان و اسپانیا برقرار شد.

مرگ شاه اسماعیل در سال ۱۵۱۲ و جلوس فرزندش شاه تهماسب به تخت سلطنت گرفتاریهای جدیدی برای ایران فراهم کرد. حمله خوانین هرات و ازبک از طرف شرق یکی از این مسایل بود. با روی کار آمدن سلیمان در عثمانی درگیریها و جنگهای جدیدی بین ایران و عثمانی آغاز شد که ۲۰ سال ادامه داشت و نهایتاً بین سلیمان و شاه تهماسب معاهده صلح (۱۵۱۵) امضا شد که به صلح آماسیه مشهور است و روابط مسالمت آمیز برقرار شد. برقراری روابط با امپراتوری هند، ادامه روابط حسنه با پرتغال و پذیرفتن بازرگانان انگلیسی از اقدامات قابل توجه ایران برای آرامش نسبی مملکت بود. اما با جلوس شاه اسماعیل دوم در سال ۱۵۷۶ به تخت سلطنت، روابط ایران و عثمانی مجدداً به تیرگی

گرایید و در اثر جنگهای آن زمان ایالات قفقاز و آذربایجان به تصرف عثمانی درآمد و حتی تبریز هم در سال ۱۵۸۵ به دست عثمانیها افتاد. فرصت طلبی عییداله خان ازبک هم از ناحیه شرق به آشفتهگی اوضاع ایران شدت بخشید تا اینکه با ظهور شاه عباس اول، یکبار دیگر وحدت و آرامش داخلی به ایران بازگشت، شاه عباس در سال ۱۵۸۷ در اصفهان تاجگذاری کرد و حکومت مقتدری را برقرار نمود. از مهمترین کارهای این بود که تصمیم گرفت از هندیها در مقابل ازبکان و از روسها در برابر عثمانی کمک بخواهد.

قبل از شاه عباس، شاه محمد خدابنده (فرزند ارشد شاه تهماسب) به فکر همکاری با روسیه افتاده بود و به همین خاطر سفیری به نام هادی بیگ به دربار تزار فئودور اول فرستاد. بازگشت هادی بیگ و آمدن گریگوری واسیل چیکف، سفیر روسیه به ایران، مصادف شد با تغییر سلطنت و جلوس شاه عباس، اما این روابط برقرار شد و شاه عباس با تراز از در دوستی درآمد. قبل از به نتیجه رسیدن اتحاد با روسیه علیه عثمانی، پیشروی و فتوحات عثمانی شاه عباس را وادار به پذیرش معاهده صلح استانبول (۱۵۹۰) کرد. مهمترین حادثه این ایام، مذاکره خان احمد گیلانی (حاکم گیلانی) با روسها بود. اوسفیری به مسکو اعزام کرده بود تا برای استقلال و تجزیه آن ایالت کمک دریافت کند. روسها هم بی میل نبودند تا گیلان را دست نسانده خود کنند و لذا به احمد خان قول مساعد داده بود. با امضای

معاهده صلح استانبول و با خبر شدن شاه عباس از این ارتباطات، وی خان احمد گیلانی را به عثمانی فراری داد و آن ایالت را متصرف گردید.

شاه عباس پس از انتقاد صلح با عثمانی‌ها، به نبرد با ازبک‌ها پرداخت و آنها را از نواحی خراسان و هرات بیرون کرد. او با سازماندهی جدید داخلی، برقراری مناسبات حسنه با دول اروپایی یعنی روسیه با فرستادن حسینعلی بیگ به دربار روسیه، طرح اتحاد سه جانبه روسیه، اتریش و ایران، اتحاد ایران و اسپانیا قوت قلب پیدا کرد. قدرت و فتوحات شاه عباس سلطان عثمانی را به صلح واداشت و قراردادی در سال ۱۶۱۳ در استانبول به امضا رسید و به طور کلی توافق شد که سرحدات دو کشور به همان صورتی که در زمان سلطان سلیمان قانونی بوده، باقی بماند. شاه عباس هم تعهد کرد که بین‌النهرین را تخلیه و به عثمانی‌ها واگذار بکند.

آغاز درگیری‌های ایران و عثمانی بر سر گرجستان و ارمنستان از سال ۱۶۱۶ به نفع ایران تمام شد و عثمانی‌ها مجدداً در برابر قدرت ایران سرتمکین فرود آورده و عهدنامه صلح ایروان در سال ۱۶۱۸ امضا شد که مواد و شرایط عهدنامه دوم صلح استانبول را تأیید کرد. شاه عباس در این وضعیت، سیاست گسترش روابط با دول اروپایی را مورد توجه قرار داد و رابرت شرلی را به پاس خدمات شایسته‌اش به ایران عازم اروپا کرد تا از راه روسیه، بالهستان، انگلستان ایتالیا، اسپانیا و در راه بازگشت به هند رابطه برقرار کند.

بروز اختلافات میان ایران و اسپانیا، تصرف بندر گمبرون بدست پرتغالی‌ها، گسترش روابط بازرگانی با انگلیس و نهایتاً اتحاد ایران و انگلیس علیه پرتغالی‌ها، باعث شد تا هرمز به تصرف ایران درآید و پس از این تحول پرتغال از جنوب ایران خارج و روابط سیاسی ایران و انگلیس وارد مرحله جدیدی شد.

روابط ایران با روسیه در زمان شاه عباس پس از بوریس گودونوف تزار روسیه (۱۶۰۵) نسبتاً مسالمت آمیز بود. هرج و مرج و ناآرامی روسیه را فراگرفته بود و حاکمان مختلفی در آنجا بر سر کار آمدند (دیمتری غاصب، واسیلی شويسکی، میخائیل رومانوف و ...).

جنگ روسیه بالهستان و رقابت با عثمانی باعث شده بود که تا فاصله روسیه و ایران روابط دوستانه‌ای داشته باشند.

فتوحات ایران در شرق و غرب، شاه عباس را بسیار مقتدر ساخته بود، به طوری که در سال ۱۶۲۸ بصره را نیز متصرف شد. اما با درگذشت شاه عباس، حملات عثمانی‌ها مجدداً آغاز شد و پیشرویهای عثمانی ادامه یافت، تا اینکه لشکرکشی‌های سلطان مراد، ایران را مجبور به انعقاد قرار داد صلح قصر شیرین (زهاب) در سال ۱۶۳۹ کرد. این قرارداد بسیار اساسی تلقی گردید و تا حدود پایان سلسله صفویه آرامش نسبی بین ایران و عثمانی برقرار بود.

جنگهای ایران در نواحی شرق عمدتاً بر سرقندهار، روابط نه چندان جدی با برخی دول اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان)، تیرگی روابط با عثمانی بر سر بصره و جلوس پترکبیر و آغاز سیاستهای توسعه طلبانه برای دسترسی به آبهای گرم و مداخله در امور هندوستان تحولات عمده این عصر بودند تا اینکه به علت آشوب و ناآرامی های داخلی سلسله صفویه فروپاشید.

با تضعیف تدریجی قدرت ایران در این مقطع، روسیه به عثمانی نزدیک شده و حتی قرار داد تقسیم ایالات ایران را (۱۷۲۴) امضا می کنند. بدین ترتیب عثمانی از مناطق غربی و جنوبی و روسیه از طرف شمال به تجاوز علیه ایران پرداختند. ظهور نادر و اخراج افغانها، مرگ پترکبیر و تغییر سیاست روسیه برای تخلیه ایالات ایران اندکی اوضاع ایران را بهبود بخشید. امضای قرار داد رشت (۱۷۳۲) بین ایران و روسیه، معاهده گنجه (۱۷۳۵) ناشی از مشکلات داخلی روسیه، قدرت یابی ایران و تیرگی روابط روسیه با عثمانی بود. پس از این نادرشاه به عثمانی روی آورد و فتوحات چندی انجام داد و نهایتاً سراسر ایالات قفقاز که مدت ۱۳ سال در تصرف روسها و عثمانی ها بود، به تصرف ایران در آمد.

تاجگذاری نادرشاه (۱۷۳۶) و امضای قرارداد صلح با عثمانی (۱۷۳۶) اندکی به نواحی غربی ایران آرامش بخشید. حمله نادر به شرق برای تسخیر قندهار و امپراتوری هند، توجه او را از عثمانی سلب نموده و عثمانی ها مجدداً به دست اندازی پرداختند. حملات نادر به قفقاز

، روسیه را هم نگران کرد. مخاصمات نادر با عثمانی ادامه داشت و مذاکرات او با عثمانی و علمای نجف سودی نبخشید و جنگ دیگری بین ایران و عثمانی در گرفت، و بالاخره فتوحات نادر منجر به انعقاد معاهده صلح بین ایران و عثمانی (۱۷۴۶) گردید که سرحدات دو کشور به همان سیاقی که در زمان سلطان مراد چهارم بود تثبیت گردید.

با مرگ نادر شاه (۱۷۴۷) مجدداً اوضاع داخلی ایران به آشوب و ناآرامی گرایید و ایران به نوعی تقسیم گردید که در هر قسمت یک نفر حکومت می کرد. بالاخره کریم خان زند در سال ۱۷۵۷ با غلبه بر رقبای خود به تخت سلطنت نشست. دولت عثمانی به شدت گرفتار جنگ با روسیه و سایر دول اروپایی بود و روسها هم تا زمانیکه سلطنت کاترین دوم بنیان و استحکام یافت، گرفتار شورش های داخلی و جنگ با ترک ها بودند. وضعیت ایران هم کمی تثبیت گردید.

رقابت و مخاصمات اروپایی ها باعث شد که ایران به روابط جدید با آنها فکر بکند. تجدید روابط با هلند، فرانسه و انگلستان تسهیل شد. روسیه به تدریج در نواحی شمالی ایران نفوذ کرده و از راه تجارت منافع قابل توجهی به هم می زد. اختلاف ایران و عثمانی باعث شد تا روسیه در سال ۱۷۷۸ سفیری به ایران بفرستد. و پیشنهاد اتحاد علیه عثمانی را مطرح نماید. کریم خان از این پیشنهاد استقبال کرد، اما عملی نشد.

با مرگ کریم خان ، اوضاع ایران مجدداً آشفته و برسر جانشینی وی در داخل کشور مبارزات مفصلی صورت گرفت. اشغال جزیره قشم توسط انگلیسی ها ، اخراج تدریجی فرانسویها و هلندیها از شبه قاره هند، توسعه سیاست نفوذی انگلستان در ایران، مداخلات و تجاوزات روسیه در مرزهای شمالی ایران به ویژه گرجستان و قطع کردن دست عثمانی از گرجستان و قفقاز موجبات جسارت یابی جدید روسیه علیه ایران شد. تا اینکه ، آقا محمدخان قاجار توانست بر رقبا پیروز شده و سلسله قاجاریه را تأسیس کند.

دوره دوم - عصر سلسله قاجاریه

با ظهور آقامحمدخان و تأسیس سلسله قاجاریه، تا حدودی ثبات به ایران بازگشت، اما روند تضعیف ایران کم کم رخ می نمود. در این دوره، عثمانی به سبب شکستهای چندگانه از روسیه در مسیر زوال افتاده بود و مثل گذشته به ایران فشار وارد نمی کرد. اروپائیان مشغول مهار انقلاب فرانسه بودند. روسیه با لهستان بیشتر درگیر بود. انگلستان قدرت جدیدی بود که همه اروپائیان را تحت تأثیر قرار داده و در حوزه شبه قاره هند و ایران نیز رو به پیشرفت بود. مرزهای شرقی ایران نیز نسبتاً آرام بود.

روس ها پس از حملات و اقدامات فجیع آقامحمدخان در گرجستان ، به نواحی جنوبی معطوف شدند و از ۱۷۹۶ در بند، باکو، طالش را تصرف و حتی از رود ارس عبور کردند. پیشروی روسها ادامه داشت، تا اینکه در همان سال کاترین دوم درگذشت و پل اول تزار

جدید (۱۷۹۶-۱۸۰۱) دستور داد تا روسها گرجستان و کلیه نواحی ایالات اشغالی ایران را تخلیه نمایند. پس از این حادثه آقا محمدخان مجدداً به گرجستان حمله ور شد و مرگ او موجب انقطاع موقتی این جنگها گردید.

ظهور آلکساندر اول (۱۸۰۱-۱۸۲۵) در روسیه منجر به آغاز درگیریهای ایران و روسیه شد. در گام اول گرجستان را قسمتی از خاک روسیه (۱۸۰۲) اعلام داشتند. تلاش ایران برای اتحاد با انگلیس و فرانسه هم فایده بخش نبود. حملات روسیه به گنجه و ایروان ادامه یافت و بالاخره با ترغیبات انگلیس پیمان صلح گلستان (۱۸۱۳) امضا و قسمتهای عمده ای از خاک ایران جدا و به روسیه تعلق گرفت.

انگلستان با امضای قراردادهای مختلف (عهدنامه مفصل - ۱۸۱۲، عهدنامه تهران - ۱۸۱۴) با ایران سعی می کرد که از هجوم مداوم روسها جلوگیری و به نوعی استقلال ایران را حفظ نماید. تا منافعش در هند و افغانستان به خطر نیافتد. جنگ های ایران و عثمانی با دسیسه چینی روس ها مجدداً آغاز شد و در سال ۱۸۲۳ عهدنامه اول ارزروم امضا شد و سرحدات دو کشور در همان شرایط زمان نادرشاه تثبیت شد. در حین جنگهای ایران و عثمانی روسیه حملات جدیدی به خاک ایران کرده مذاکرات و اختلافات همچنان ادامه داشت، اما نهایتاً جنگهای جدیدی بین ایران و روسیه در گرفت که پیشروی روسیه تا تبریز در سال

۱۸۲۷ ایران را به شدت نگران کرد و سرانجام با میانجیگری انگلیس عهدنامه ترکمانچای (۱۸۲۸) همراه با رژیم کاپیتولاسیون بر ایران تحمیل گردید.

متعاقب عهدنامه های گلستان و ترکمانچای، مرگ عباس میرزا و جسارت یابی روسیه، انگلیسیها به شوراندن عشایر و قبایل به ویژه در شرق کشور اهتمام ورزیدند تا مخصوصاً در حوزه افغانستان یک حریم امنیتی برای هندوستان فراهم کنند برای اینکه آنجا خطر نیافتد. شورش های شرق ایران به ویژه در هرات موجب حملات ایران به آن مناطق شد ولی نهایتاً با برنامه ها و سیاستهای انگلیس هرات هم براساس معاهده صلح پاریس برای همیشه از ایران جدا شد.

روسیه پس از شکست در جنگ کریمه به خوبی دریافت که دولتهای اروپایی دیگر اجازه نخواهند داد که پس از این دامنه متصرفات خود را در بالکان و اروپا توسعه دهد، به این جهت متوجه ترکستان و آسیای مرکزی شد و بالاخره قوای روسی بین سالهای ۱۸۱۶ تا ۱۸۶۶ قسمت اعظم ناحیه سمرقند، تاشکند و بخارا را متصرف گردیدند و تا سال ۱۸۷۳ کلیه آن نقاط به انضمام بقیه سرزمین بخارا و خیوه به تصرف روسها درآمد. روسیه با امضای پیمان آخال (۱۸۸۱) توانست از برنامه توسعه ارضی احساس رضایت بکند. این اقدام روسیه باعث شد تا انگلیسی ها احساس خطر کرده و به مقابله با پیشروی روس ها پردازند و به دفاع از حریم امنیتی شبه قاره هند اهتمام ورزند.

در این هنگام ضعف داخلی ایران در زمان ناصرالدین شاه ، سفرهای او به اروپا، آغاز روند اعطای امتیازات مختلف به روسها و انگلیسیها به نفوذ بیشتر آنها در ایران منجر شد. توجهات شدید انگلیس به کنترل اوضاع منطقه و ایران باعث شد تا مجمع الجزایر بحرین از ایران جدا و سرحدات شرقی ایران بوسیله انگلیسها مشخص شود. نقش روسها در تشکیل و تأسیس قزاقخانه شاهنشاهی هم بسیار اهمیت دارد. داستان قرضه های مظفرالدین شاه نیز بر حرص روس و انگلیس جهت نفوذ فزاینده در امور ایران افزود. یکی دیگر از محورهای جدید قدرت که در اروپا مجدداً مطرح می شد، آلمان بود که با روس و انگلیس رقابت داشت و ایران را هم تحت تأثیر قرار داده بود که با امضای فرمان مشروطیت و تأسیس مجلس شورای ملی (۱۹۰۶) اوضاع ایران وارد مرحله جدیدی شد.

رقابت روسیه ، انگلیس ، اتریش ، آلمان و فرانسه به عنوان عمده ترین قدرتهای آن زمان در اروپا تشدید می شد تا جائیکه قرارداد روسیه و انگلستان (۱۹۰۷) درباره تقسیم ایران به مناطق نفوذ، محصول این رقابت ها بود. روابط ویژه روسیه با محمدعلی شاه ، رویکرد محمدعلی شاه به مشروطیت ، سکوت انگلستان و ماجرای اقدامات شوستر در ایران باعث شد تا اختناق و انفعال داخلی و مداخلات خارجی به اوج برسد. با آغاز جنگ جهانی اول و اعلام بی طرفی ایران، روس و انگلیس برای مقابله با نفوذ آلمانها موجب شد تا ایران به اشغال روس و انگلیس درآید.

وقوع انقلاب کمونیستی روسیه در سال ۱۹۱۷ و پایان جنگ جهانی اول ۱۹۱۸ باعث تحولات نوینی در منطقه گردید. رویکرد شوروی به ایران و ممالک جنوب، ضعف آلمان، آغاز تجزیه امپراطوری عثمانی و فرصت طلبی نوین انگلیسها سرفصل های جدیدی برای سیاست خارجی ایران گشود. اعلامیه ۱۹۱۸ شوروی مبنی بر الغای کلیه امتیازات و حقوق دوره تزاری، قرارداد ۱۹۰۷، کاپیتولاسیون و غیره اهمیت زایدالوصفی داشت. ضعف شدید مالی ایران و بحران اجتماعی باعث شد تا انگلیس بر میزان نفوذ خود افزوده و حتی به تحمیل قرارداد ۱۹۱۹ به ایران پردازد. مطامع نوین شوروی هم منجر به تصرفات جدید آنها در قفقاز و شمال ایران گردید. بدین ترتیب موازنه جدیدی بین شوروی و انگلیس در منطقه و ایران آغاز شد.

کودتای ۱۹۲۱ (سوم اسفند ۱۲۹۹)، انعقاد عهدنامه مودت ۱۹۲۱ بین ایران و شوروی، الغای قرارداد ۱۹۱۹ و تخلیه خاک ایران از نیروهای روس و انگلیس حوادث مهم این مقطع اند. بدین ترتیب با روی کار آمدن رضاخان، طرز برخورد احمدشاه و بازی های روس و انگلیس در مورد ایران زمینه های سقوط احمد شاه و پایان سلسله قاجاریه را فراهم کرد در مجموع این دوره برای ایران بسیار پر تجربه و تلخ بود.

دوره سوم - عصر پهلوی ها

- مساعی انگلیس در به قدرت رساندن رضاخان و اقتدار روزافزون او موجبات احتیاط هر چه بیشتر شوروی شد. روسیه به تغییر رویه پرداخت تا با رفاقت مقطعی از منافع اقتصادی بهره جوید، لذا قرارداد بازرگانی در سال ۱۹۲۴ در همین راستا به امضا رسید. تحکیم قدرت برای سردار سپه و حتی خلع سلسله قاجاریه در سال ۱۹۲۴ همگی از مستظهر بودن رضا شاه به انگلیس حکایت داشت.

اختلاف ایران و شوروی در مورد حمایت شوروی از فعالیت های کمونیستی در ایران بسیار پرماجرا بود و نفوذ انگلستان با انعقاد قرارداد نفتی ۱۹۳۳ (به جای امتیاز داری، وارد کردن ایران به پیمان سعدآباد (۱۹۳۷) بر سوء ظن شوروی می افزود. تلاش انگلیسها راحتی به تخریب روابط ایران با سایر کشورها مثل آمریکا هم کشانده اند.

تضعیف تدریجی قدرت بریتانیای کبیر، اوج گیری قدرتهای جدید و رقیب مثل آلمان و آمریکا و نگرانی جهان غرب از کمونیسم معادلات جدیدی را در عرصه بین المللی مطرح کرده بود. ظهور هیتلر و برنامه هایش موجبات تمایل رضاشاه به آلمان را فراهم می کرد. با آغاز جنگ جهانی اول و پیشروی های هیتلر در شرق اروپا و روسیه نگرانی متفکین را تشدید کرده و نزدیکی آلمان و ایران را بهانه اشغال ایران قرار دادند.

معاضدت مجدد قدرتهای بزرگ (شوروی، انگلیس و آمریکا) برای اشغال ایران
موجبات حذف رضاشاه و استعفای او گردید. انعقاد پیمان اتحاد سه جانبه ایران، شوروی و
انگلیس (۱۹۴۲) اعلامیه کنفرانس تهران (۱۹۴۳) هم از موازنه بازدارنده بین رقبای همکار
حکایت داشت تا جائیکه با برگزاری کنفرانس متعدد در خلال جنگ بین قدرتهای بزرگ به
ویژه کنفرانس یالتا و پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم و ظهور دو ابرقدرت شرق و
غرب تکلیف تمام جهان را از این به بعد مشخص ساخت.

سعایت انگلیس و آمریکا برای به قدرت رساندن محمدرضا پهلوی، تلاش شوروی
برای گرفتن امتیاز و اعمال فشار در قضیه آذربایجان و عدم ترک خاک ایران از بازی جدید
این قدرتها در ایران حکایت داشت. دیپلماسی قوام در انعقاد قرارداد نفتی با سادچیکف و
فشار تعیین کننده آمریکا به شوروی، به پایان اشغال ایران انجامید (۱۹۴۶) و غریبها برای
تعیین حریم بهداشتی برای شوروی، از استقلال و تمامیت ارضی ایران دفاع کردند.
موافقتنامه قوام سادچیکف هم در مجلس شورای ملی رد شد، غائله آذربایجان فیصله
یافت و شوروی مترصد اتخاذ برنامه های جدید گردید.

تحکیم نسبی و تدریجی قدرت محمد رضا پهلوی در داخل با اطمینان از پشتیبانی
غرب و استفاده از برنامه های کمک آمریکا در قالب طرح مارشال و غیره، ایران را هم
سرنوشت غرب ساخت.

سیاست‌های جاه‌طلبانه شاه در منطقه، نزدیکی و همکاری با اسرائیل تحت کنترل‌های آمریکا و انگلیس، به جدایی ایران از اعراب انجامید. رقابت با عراق، مصر و عربستان باعث می‌شد تا شوروی به دنبال نفوذ در خاورمیانه باشد تا موازنه لازم را ایجاد نماید و از فضای جنگ سرد زیاد از حد متضرر نشود و موازنه نسبی برقرار باشد.

تحولات داخلی ایران برای به چالش کشیدن قدرت مطلقه شاه، تعدیل امتیازات نفتی و مقابله با زیاده‌خواهی‌های انگلیس در مسئله نفت و ملی شدن این صنعت، روابط ایران با قدرتهای بزرگ را وارد مرحله دیگری ساخت. انگلیس با تمام برنامه‌های تهاجمی وارد عمل شد و امریکای نه چندان جدی را به مبارزه واقعی کشاند، چرا که مطالع خود را در این اقدام تصور نمودند. شوروی ابتدا ب رضایت و بعداً با بی‌اعتنایی بر تحولات نظارت می‌کرد، ولی با کمک نکردن به دولت تحت فشار مصدق و ندادن ۱۱ تن طلای مورد نظر ماهیت خود را نشان داد و سقوط مصدق با کودتای ۲۸ مرداد به ثمر نشست.

ارسال کمک‌های بی دریغ آمریکا به ایران و تجدید روابط گرم سیاسی، اقتصادی و نظامی به صورتی شد که ابتدا با قرار داد معروف کنسرسیوم نفتی با ایران در سال ۱۹۵۴ و سپس با عضویت ایران در پیمان بغداد (۱۹۵۴) نگرانی شوروی را برانگیخت. تلاش شوروی بای نفوذ در میان اعراب بویژه مصر، شرکت در اجلاس بان‌دوگ که به تأسیس جنبش عدم تعهد (۱۹۵۵) منجر گشت، بحران کانال سوئز و عدم همراهی شاه با مخالفان

غرب و اسرائیل ، مجدداً در تعیین مواضع ایران و شوروی مؤثر بود. اما زیرکی در نزدیکی به ایران تحت لوای قرار دادهای بازرگانی و اقتصادی از عملگرایی آنها حکایت داشت. موافقتنامه حل مسائل مالی و مرزی ایران و شوروی (۱۹۵۴) و پس دادن طلاهای ایران در این راستا بود.

روی کارآمدن نیکسون، امضای قرار دادهای و موافقتنامه‌های مختلف همکاری نظامی - امنیتی و دریافت تسلیحات نظامی باعث می شد تا اعتراضات شوروی شدت بگیرد. اما با نزدیکی خوشچف و کندی از حملات سیاسی شوروی کم می شد. بنابراین شرایط دوران تنش‌زدایی به همکاری شوروی و ایران در امور اقتصادی و بازرگانی منجر شد.

در سال‌های ۱۹۶۴، ۱۹۶۳، ۱۹۶۷، ۱۹۶۶، ۱۹۶۶ قرار دادهای قابل توجهی بین دو کشور امضا شد. اما تضاد سیاسی همچنان ادامه داشت و شوروی برای قطع روابط و وابستگی به آمریکا، به ایران فشار می آورد، ایران هم چاره‌ای نداشت تا روابط تنگاتنگ با غرب را همچنان ادامه دهد.

محمدرضا پهلوی در دوره تنش‌زدایی در نظام بین‌المللی ، شروع به اجرای برنامه‌های نوین داخلی نظیر انقلاب سفید کرد. اما مخالفت‌های داخلی و موانعی بر سر راه آن، اقدامات مشکلاتی را بوجود می آورد. بنابراین برای تداوم کار خویش، شاه با آمدن لیدون جانسون روابط خود را با آمریکا گرم‌تر نمود. شوروی نیز تلاش وافر برای همکاری‌های بازرگانی،

اقتصادی و فنی می نمود. همزمان با آغاز زمزمه های خروج نیروهای انگلستان از خلیج فارس اختلاف ایران و عراق، ایران و بحرین، و ایران و امارات متحده عربی عمده ترین مسئله منطقه شد.

اعلام و اجرای سیاست دوستونی در منطقه توسط ایران و عربستان بر قدرت ایران افزود، چرا که شاه با سرعت تمام به خرید تسلیحات نظامی روی آورده بود. ایران مسئله بحرین را با رضایت انگلستان و آمریکا در مقابل استرداد جزایر سه گانه (ابوموسی و تنب های کوچک و بزرگ) فیصله داد. در جنگ ظفار مشارکت کرده و ایده ژاندارمری منطقه را دنبال می نمود. افزایش قیمت نفت و استطاعت شاه برای قدرتمندی موجب شد که روابط اقتصادی خود را با شوروی ادامه دهد و حتی با بلوک شرق وارد مرزها شود. جالبتر اینکه برای نشان دادن استقلال و اقتدار خود حتی به خرید تسلیحاتی نظامی از شوروی اقدام می نمود.

نزدیکی تدریجی غرب و شرق، به ویژه توافقات فورد و برژنف (۱۹۷۴) در بازبینی شرایط امنیتی جهان، اروپا و مناطق بحران خیز، زمینه های آرامش منطقه خاورمیانه را هم در پی داشت. مذاکرات ایران و عراق منجر به انعقاد قرار داد معروف الجزایر (۱۹۷۵) گردید که حل اختلاف آنها برای منطقه مهم بود. روابط اسرائیل و اعراب به نوعی روابط ایران با

منطقه و قدرتهای بزرگ را هم تحت تأثیر قرار داده بود. اما گرایش و گرانس سیاست ایران به سمت غرب و اسرائیل بود که مغایر نیات اعراب و مذهبی های داخلی کشور بود.

ظهور کارتر در اواخر دهه ۱۹۷۰ در آمریکا و نگرش های سیاسی- استراتژیک او تحولات مهمی را در جهان رقم زد. تحدید فعالیت های نظامی- امنیتی در مناطق مختلف آسیا، آفریقا، آمریکای جنوبی و خاورمیانه از یک طرف و تشدید سیاست های حقوق بشری در کشورهای اقتدارگر و غیر دمکراتیک فشار مضاعفی را بوجود آورد. نفوذ شوروی در افغانستان، فشارهای آمریکا برای رعایت حقوق بشر و باز کردن فضای سیاسی همراه با گسترش امواج نارضایتی و ناآرامی های داخلی، شاه را درمانده ساخته بود. تزلزل حکومتی و تعویض مکرر سران مملکتی از جمله نخست وزیرها نتوانست به آرامش داخلی کمک کند.

طرز تلقی و رفتارهای شاه در مقابل این ناآرامی ها، موجب سرعت گرفتن حملات داخلی و خیزش توده ها گردید که نهایتاً با فرار شاه و بازگشت امام خمینی (ره) آخرین صفحات تاریخ زمامداری پهلوی ها نیز ورق خورد.

دوره چهارم - از انقلاب اسلامی ایران تا فروپاشی شوروی (۱۹۷۹-۸۹)

کارکرد نامطلوب نظام سیاسی پهلوی، اقدامات محمد رضا شاه، اطرافیان و مجموعه سیاسی - اقتصادی موجبات اعتراضات گسترده و انباشت خشم مردمی را فراهم و نهایتاً به انفجار انقلابی منتهی شد. معادلات خاص قدرتهای بزرگ هم در رابطه ب تحولات جهانی،

منطقه و ایران باعث گردید تا پیوندها و ارتباطات سابق پاسخگو نباشد. هر یک از این قدرتها، رویکرد خاصی به تحولات داخلی ایران داشتند، بنابراین عملکرد داخلی ایران هم متأثر از برخورد آنها همراه با سایر عوامل دیگر به واژگونی رژیم پهلوی انجامید.

ارتباطات ایران و روسیه در اواخر دهه ۱۹۷۰ حسن بود، به ویژه مناسبات اقتصادی رضایت خاطر روسیه را جلب کرده بود، هر چند که از نظر سیاسی - ایدئولوژیک در مقابل هم بودند. شوروی ابتدا به نیروهای داخلی (عمدتاً مذهبی ها) به عنوان همدستان سرمایه داری به دیده ظن و تردید می نگریست.

خیزش های مردم و حرکت توده ها در سال ۱۳۵۷، نگرش و رفتار شوروی را هم تغییر داد به طوریکه به حزب توده برای نزدیک شدن با مذهبی ها رهنمود می دادند. دقت در باطن کار شوروی شاید جالب باشد. چرا که آنها این تحول بنیادی در ایران را منجر به وارد شدن ضربه به جبهه غرب تلقی می نمودند. شعارهای ضدامپریالیستی انقلابیون، به شوروی انگیزه لازم را جهت حمایت دیپلماتیک از استقلال خواهی ایرانیان می داد. اما نگرش و تفسیر مارکسیست ها از مذهب و جایگاه آن در جامعه (مذهب افیون توده ها) رفتارهای واقعی و بعدی شوروی را مشخص ساخت. حضور و قدرت یابی مذهبیون در ایران و دیدگاهها، اصول و برنامه های آنها در به مبارزه طلبیدن شرق و غرب، باعث شد تا قدرتها و مخصوصاً روسیه یک بازیابی اساسی در رفتارهایش نسبت به ایران مدنظر قرار دهد.

ناآرامی های فزاینده در سالهای اولیه پس از انقلاب، اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان ایرانی، بحران گروگان گیری و ماجرای حمله آمریکا به طبرس باعث شد تا سیاست مقابله و خصومت دوجانبه بین ایران و آمریکا شدت یابد. احساس وحشت کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، مسئله فلسطین و سیاست ضداسرائیلی ایران منطقه را هم به نوعی تحت تأثیر قرار داد.

قدرتهای بزرگ آخرین چاره ای که برای مهار ایران و بحث صدور انقلاب، حفظ موازنه منطقه ای و ثبات نسبی در نظر گرفتند، این بود که به تحریک صدام پردازند. تا به ایران حمله کند، چرا که رژیم بعث عراق نیز اگر با ایران مخصوصاً در مخالفت با اسرائیل و برخی دولتهای مرتجع عرب همراه می شد، اوضاع خطرناکی پدیدار می گشت.

راهبرد اصلی شوروی در این زمان، دکترین برژنف بود که در سال ۱۹۸۰ طرح گردید، تلاش شوروی برای تحدید عرصه مانور رقبای شوروی، افزایش نفوذ آن کشور در حوزه خلیج فارس از محورهای اساسی این دکترین بودند. شوروی چون مثل همیشه به منافع اقتصادی اهمیت می داد و چون با تضاد ایدئولوژیک در برابر ایران روبرو شده بود، سعی کرد تا راه نزدیکی با عراق را در پیش گیرد.

قراردادهای فروش تسلیحات نظامی شوروی به عراق، حمایت از رژیم بعث صدام و مقابله جویی با ایران در اولویت برنامه های منطقه ای قرار گرفت. طبق برخی برآوردها بیان

شده است که شوروی از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۹ حدود ۲۳/۵ میلیارد دلار تسلیحات نظامی به عراق فروخت که بالطبع سود سرشاری داشت. حمایت همه جانبه شوروی از عراق حتی تا سالهای ظهور گورباچف هم کشیده شد، بطوریکه در سال ۱۹۸۶ شورادنازه وزیر خارجه وقت شوروی و در سال ۱۹۸۷ بیانیه مفصلی از جانب شوروی در حمایت از صدام صادر شد. ظهور گورباچف در سال ۱۹۸۵ در شوروی، وضعیت نامطلوب سیاسی - اقتصادی آن کشور و سیاه چاله های امپراتوری کمونیستی، این ابرقدرت عصر جنگ سرد را به اوضاع خطرناکی رساند. سیاست های معروف گورباچف یعنی گلاسنوست و پروسترویکا از یک طرف، سیاست نزدیکی با غرب و فعالیت در سازمان ملل و مخصوصاً شورای امنیت روند معادلات جهانی را تغییر می داد. بطوریکه در زمان گورباچف سیاست نزدیکی به منطقه خلیج فارس در پیش گرفته شد. نیروهای این کشور از افغانستان عقب نشستند، شوروی در صدد همکاری با کشورهای عضو اوپک برآمد و از طرفی برنامه های فروش تسلیحات نظامی را نیز مد نظر داشت.

تداوم هشت سال جنگ تخریبی در منطقه خاورمیانه و به نوعی حوزه خلیج فارس همگان را خسته کرده بود. دو کشور ایران و عراق به اندازه کافی تحت فشار بودند، تا اینکه در سال ۱۹۸۸ ایران قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل را پذیرفت. امام خمینی، رهبر وقت ایران، هیأتی را برای تسلیم نامه معروف ایشان به گورباچف که به نوعی از سرگیری

روابط دوستانه بود، اعزام داشت. اما عمر ابرقدرت شرق به پایان رسیده بود و در سالهای

۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ دیگر نام و نشانی از اتحاد جماهیر شوروی بر جای نبود.

دوره پنجم - دوره پس از فروپاشی شوروی

فروپاشی شوروی و پیدایی جمهوری های تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و ماورای

قفقاز بزرگترین تحول جهان در آخرین دهه قرن بیستم بود. تنزل حوزه قدرت روسیه و

سطح قدرت این کشور از ابرقدرت بودن به یکی از قدرتهای بزرگ اولاً از اعتبار جهانی آن

کاست و ثانیاً با تغییر نظام بین الملل دوقطبی توجه اصلی روسیه به کنترل امور منطقه‌ای

معطوف گردید.

روسیه به عنوان برادر بزرگ در بین جمهوری های جدید همواره نگران تحولات

داخلی آنها و حتی روابط خارجی آنها با دیگر قدرتهای بزرگ بوده است. اتخاذ سیاست

توجه به خارج نزدیک، برقراری و تنظیم روابط با چند کشور منطقه را نیز برای روسیه مهم

کرده بود. ایران، ترکیه، عراق و اسرائیل به نوعی از واحدهای مهم و تأثیرگذار در حریم

امنیتی روسیه بوده اند. آنها به علت امکانات داخلی و استراتژیک از یک طرف و طرز

ارتباطاتشان با قدرتهای بزرگ حائز اهمیت هستند. بنابراین هدف روسیه عمدتاً ایجاد ثبات و

امنیت در جمهوری های جدید آسیای مرکزی، ایجاد پیوندهای امنیتی از طریق کشورهای

مستقل مشترک المنافع و افزایش منافع اقتصادی و استراتژیک سنتی به جای رقابت ایدئولوژی و استراتژیک با آمریکا بوده است.

پایان جنگ سرد و بدون رقیب ماندن آمریکا از یک طرف و اعلام نظم نوین جهانی از سوی این کشور. بروز جنگ دوم خلیج فارس برای نجات دادن کویت از اشغالگری عراق، گسترش ناتو و پیگیری استراتژی بزرگ آمریکا براساس تقویت بازار و نهادهای دموکراتیک شامل حال روسیه نیز می شد. بنابراین سیاست درگیر ساختن این کشور در شرایط جدید یکی از تحولات عمده این استراتژی بود که ضعف نسبی روسیه و مشکلات اقتصادی این کشور زمینه های نزدیکی به این شرایط را فراهم می کرد. برنامه های آمریکا در منطقه بسیار مفصل بوده و هژمونی طلبی اش با مهار روسیه، مقابله با بنیادگرایی، مقابله با برنامه های ایران به ویژه همکاری هسته ای روسیه با ایران، جستجوی منافع اقتصادی مخصوصاً در رابطه با تأمین انرژی در یک راستا بوده است.

ایران که در اثر جنگ ۸ ساله بسیار ضعیف شده بود، به دنبال بازسازی کشور بوده و دوران جدیدی را شروع می کرد. فروپاشی شوروی، روسیه جدید و منطقه جدید فرصت ها و تهدیدهایی را به ایران در برداشت. برای جبران نبود موازنه و مقابله با آمریکا و اسرائیل، ایران یکبار دیگر راه دوستی و همکاری با روسیه را در اولویت قرارداد. هاشمی رفسنجانی (رئیس مجلس وقت) قبل از انتخاب شدن به مقام ریاست جمهوری رابطه با روسیه را مدنظر

داشت و در دوران ۸ساله ریاست جمهوری اش پایه های روابط نزدیک سیاسی، اقتصادی و استراتژیک را بنیاد نهاد. تدوین برنامه های سازندگی و اصلاحات زیربنایی و امور اقتصادی باعث شده بود که ایران همراه با روسیه، ترکیه و دیگران به رقابت در جذب بازارها و مشارکت و در طرح و برنامه های اقتصادی منطقه جدید برآید.

تطویل توافق در امور دریای خزر و رژیم حقوقی آن یکی از مشکلات اساسی ایران در منطقه بوده و علیرغم برخی توافقات همکاری جویانه بین کشورهای حاشیه دریای خزر، اما ایران سیاست حزم و احتیاط را در پیش گرفته است. فشارهای سیاسی دیپلماتیک روسیه برای نفوذ در کشورهای آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان منجر به توافقات دو جانبه گشته است. بحران قره باغ و مخاصمات آذربایجان و ارمنستان، بحران چچن و موضوع مسلمانان این منطقه، نفوذ و تلاش های ترکیه برای ایفای نقش سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بسیار حائز اهمیت بوده است. تلاش اسرائیل برای ایجاد روابط نزدیک یا روسیه هم برای ایران قابل توجه بوده است. بنابراین یک منطقه فوق العاده حساس برای ایران بوجود آمده است. فضای امنیتی جدید حاکم بر کل آسیای میانه، حضور نوین آمریکا در منطقه و پایگاههای جدید در شمال، جنوب و غرب ایران، قدرت مانور ایران را کم کرده است. کوتاه آمدن روسیه برای گسترش ناتو به شرق و شرکت در اجلاس ناتو به عنوان عضو ناظر، ترکیب آمریکا - ترکیه - اسرائیل در غرب ایران برنگرانیهای ایران افزوده است. بنابراین یکی از برنامه های امنیتی و

نظامی ایران نزدیکی به روسیه برای تأمین تسلیحات و امکانات نظامی در این راستا بوده است و همکاری های هسته ای دو کشور نیز برای غرب بسیار گران آمده و فشارهایی را بر ایران و روسیه اعمال داشته، تا جائیکه طبق هماهنگی روسیه، آمریکا و سایر قدرتهای دیگر، این همکاریها با امضای پروتکل الحاقی مربوطه از طرف ایران وارد مرحله جدیدی گردید.

برنامه های تحریم ایران از سوی آمریکا و امضای قراردادهای جدید نفتی ایران با فرانسه، روسیه و مالزی، حاکم بودن میزان ذخایر انرژی پیش بینی شده در سواحل ایران در دریای خزر، حذف کردن ایران از کنسرسیوم نفتی آذربایجان، موافقت های دو جانبه روسیه با آذربایجان و قزاقستان در مورد رژیم حقوقی دریای خزر و بهره برداری از منابع انرژی، جذاب جلوه ندادن مسیر ایران برای خطوط انتقال انرژی و موفقیت های ترکیه در جذب بازارهای کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز مشکلاتی است که در عرصه اقتصادی برای ایران مطرح شده اند.

ظهور طالبان در افغانستان و فتوحات فزاینده آنها در آن سرزمین که مستظهر به کمک های اولیه آمریکا، عربستان، امارات متحده عربی و پاکستان بودند مرزهای شرقی ایران را بحرانی کرد. وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، بحث تروریسم و بسیج بین المللی جهت مقابله با این موضوع، حمله آمریکا به افغانستان و حذف طالبان از حکومت افغانستان یکی دیگر از تحولات عمده این منطقه بود. بحث بنیادگرایی در آسیای مرکزی و برنامه روسیه و آمریکا

به همراه برخی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز با موضوع تروریسم گره خورده است.
بنابراین تمام حرکات ایران را نیز مورد توجه قرار می دهند و مخصوصاً آمریکا را رفتارهای
ایران نظارت و اعمال نظر می کند. روسیه هم در تنظیم روابط خود با ایران احتیاط کامل پیشه
کرده است و در شرایط امروزی نمی تواند ابتکار عمل را در دست داشته باشند.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title:
Subject:
Author: HOSEIN
Keywords:
Comments:
Creation Date: 4/10/2012 6:32:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: hadi tahaghoghi
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 4/10/2012 6:32:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 34
Number of Words: 5,225 (approx.)
Number of Characters: 29,785 (approx.)